

عنوان نشست: کالبد شکافی حقوقی جرائم حقوق اداری و مبارزه با فساد

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده حقوق و علوم سیاسی
مسئول نشست:	دکتر امین جعفری (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۶
اعضای هیئت علمی:	دکتر امین جعفری، دکتر حسنعلی موزن‌زادگان، دکتر حسین غلامی، دکتر حسن وکیلان (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر محمدهادی فضلعلی (مستشار دادگاه تجدیدنظر در امور اقتصادی)، دکتر جواد نوروزی و خانم مونس کشاورز (انجمن دانش گستر حقوق شهروندی)
مسئله محوری نشست:	نظام اداری ایران و نقض حقوق شهروندی با تمرکز بر مبارزه با فساد
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	قوه قضائیه، سازمان برنامه و بودجه کشور، دستیار ویژه رئیس جمهور در حقوق شهروندی، شهرداری تهران، سازمان امور اداری و استخدامی کشور

چکیده مباحث طرح شده:

نشست «کالبدشکافی حقوقی جرائم حقوق اداری و مبارزه با فساد» در چارچوب سلسله نشست‌های کمک به حل مشکلات کشور در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد.

از آنجا که کارمند نماینده دولت است و مورد حمایت‌های قانونی در این خصوص قرار می‌گیرد، این حمایت‌های قانونی که به صورت اداری، کیفری و غیره جلوه‌گر می‌شود، زمینه‌ساز بروز و ایجاد فساد در نظام اداری ایران شده است.

از طرف دیگر، ضعیف بودن ضمانت اجراها، قدیمی و ناکارآمد بودن یا فقدان قانون در این حوزه، باعث شده که دسته‌ای از جرائم شکل گیرد که به جرائم «علیه پاک دستی»^۲ شناخته

۲- Infractions contre probité.

می‌شود. مبارزه با این جرائم که به‌طور سیستماتیک صورت گرفته، نیازمند راهکاری ملی در سطح اندیشمندان، دانشگاهیان و مجریان دستگاه قضایی در این خصوص است. هم‌زمان از آنجایی که دولت نماینده مردم است و از طرف دیگر، نماینده مردم، حق آن‌ها را با توجه به سیستم فساد مورد تضعیف قرار داده، نشست برگزار شده در راستای حقوق شهروندی و منشور آنکه توسط دولت در سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید، به بررسی مقابله با این گونه جرائم پرداخت تا الگوی مناسب برای ایجاد یک راهکار ملی و ساختار آن به بحث گذاشته شود. در این راستا عمده محورهایی که مورد توجه قرار گرفت عبارت‌اند از:

۱. ضرورت ایجاد بازنگری ملی در مسئله فساد

۲. تبیین شاخصه‌های فساد در نظام اداری

۳. ضمانت اجرای موجود و ضرورت بازنگری آن‌ها

درخصوص حقوق شهروندی، منشور دولت در دو فصل ث (حق اداره شایسته و حسن تدبیر) و چ (حق دسترسی به اطلاعات) به مسئله مبارزه با فساد پرداخته است. علاوه بر آن، قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۸۷ نیز به مسئله فساد و مبارزه با آن با توجه به حساسیت موضوع و جایگاه مرتکبان آن، تأکید ویژه داشته است. با توجه دغدغه‌های گفته شده، بحث حقوق شهروندی در نظام اداری ایران با تمرکز بر مبارزه با فساد در دو محور و با تأکید بر حقوق شهروندی مورد بحث قرار گرفت که عبارت‌اند از محور دانشگاهی (نخست) با دیدگاه حقوق کیفری و حقوق اساسی و محور اجرایی قضایی (دوم).

نخست - محور دانشگاهی

در محور دانشگاهی چنانکه گفتیم، مسئله مبارزه با فساد از دو دیدگاه حقوق کیفری و حقوق اساسی اداری مورد بحث قرار گرفت.

الف - حقوق کیفری

استادان حقوق کیفری با تمرکز بر دو حوزه آیین دادرسی کیفری و جرم‌شناسی به بررسی مبارزه با این پدیده پرداختند:

۱- آیین دادرسی کیفری:

قانون ارتقای سلامت اداری و مبارزه با فساد، مهم‌ترین قانون برای مبارزه با فساد از دیدگاه حقوق کیفری ماهوی و شکلی است. در این قانون موضوع پیشگیری از فساد اداری مطرح شده، اما قوانین ما در زمینه جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای مفساد اقتصادی، سستی بوده و کافی نیست. بخش مهمی از این قانون به آیین دادرسی رسیدگی به جرائم اداری ناظر است. نخست باید دید مفهوم جرم اداری چیست؟

در ماده یک همین قانون می‌بینیم که قانون‌گذار به نحوی وارد مبحث جرم اداری شده، اما تعریفی از آن ارائه نکرده است. البته در ماده ۱۳، قانون‌گذار مصادیقی از جرائم اداری را به شکل مؤکد ذکر کرده مانند دریافت پورسانت، اختلاس و ارتشاء، کلاهبرداری، تبانی در معاملات دولتی، اعمال نفوذ برخلاف مقررات قانونی و غیره که همگی، جرم اداری است.

قانون‌گذار در این قانون یک آیین دادرسی خاص را مد نظر قرار داده است. تعیین ضابطان خاص دادگستری برای کشف و گزارش مفساد اقتصادی و جرائم اداری یکی از این موارد است. ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی، موضوع ضابطان خاص را مطرح کرده که در بند «ب» این ماده گفته شده مأموران وزارت اطلاعات هم در مواردی، ضابط قوه قضائیه هستند. اما حدود اختیارات آن‌ها را باید قانون مشخص کند. البته اگر قانون در مواردی سکوت اختیار کرده باشد، باید به عموماً آیین دادرسی کیفری مراجعه کنیم و آنچه را که برای ضابطان عام پیش‌بینی شده رعایت کنیم. در تبصره یک ماده ۴ این قانون آمده که در جرائم اداری و مفساد اقتصادی، ضابطان خاص از جمله مأموران وزارت اطلاعات در پرونده‌های فساد مالی کلان، ضابط دادگستری هستند، اما مشکل این است که آیین دادرسی در این مورد شفاف سخن نگفته است. منظور از فساد کلان چیست؟ این قابل تفسیر است. شاید یک مأمور یک موضوع جزئی را فساد کلان تلقی کند و مأمور دیگری، فساد کلان را جزئی اعلام کند.

تفسیر به این گونه، خطری برای حقوق شهروندی محسوب می‌شود و در این زمینه قوه قضائیه باید رویه‌سازی کند و فساد مالی را برای مأموران اطلاعات و دستگاه قضایی مشخص کند.

از عمده موارد مهم دیگر در فساد اداری، بحث کشف جرم است؛ زیرا در دستگاهی که شفافیت به قدر کافی وجود نداشته باشد، شناخت و به تبع آن، مبارزه با فساد اداری مشکل است. در این زمینه می‌توان گفت که بزه‌دیدگان، منبع مهم برای کشف جرم هستند و در کنار آن‌ها، مأموران یا مردم عادی هم می‌توانند جرم را گزارش دهند که به این افراد، مخبر هم می‌گویند و در کنوانسیون «مریدا» که مهم‌ترین کنوانسیون مبارزه با فساد در جهان است، از این افراد به عنوان مخبر یاد شده است.

ماده ۱۳ قانون سلامت اداری دستگاه‌های اجرایی را مکلف کرده تا جرائم اداری و مفاسد اقتصادی را به مقامات قضائی و اداری گزارش کنند و تأکید قانون‌گذار در این ماده بر این است که این گزارش باید به مقامات قضایی و اداری ارائه شود. این امر بدین خاطر است که بعضی از مفاسد اقتصادی، واجد عنوان مجرمانه است و بعضی، جنبه تخلف دارد و باید به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری گزارش ارائه شود. قانون‌گذار برای تمام تخلفات و جرائمی که در این قانون آمده، ضمانت اجرایی سنگینی در نظر گرفته که همان ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی است. در این ماده پیش‌بینی شده که اگر کسی از یک جرم اداری اطلاع پیدا کند و گزارشی ارائه نکند، به ۶ ماه تا دو سال حبس و ۶ ماه تا دو سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

در ماده ۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری نیز پیش‌بینی شده، هر گاه مقامات و اشخاص رسمی از وقوع یک جرم غیر قابل گذشت در حوزه کاری خود مطلع شوند، باید به دادستان اطلاع دهند. اما ضمانت اجرای این قانون فقط در مواد خاصی پیش‌بینی شده بود.

مهم‌ترین موضوعی که در این قانون داریم تکلیفی است که در ماده ۱۱ بر عهده قوه قضائیه گذاشته شده است. این قوه مکلف شده که از زمان تصویب این قانون به مدت یک سال یعنی از سال ۱۳۹۰، ضمن بازنگری قوانین جزایی به لحاظ جزای ماهوی و پیشگیری، لوایحی قانونی را تهیه کند. در بند «ب» نیز ظرف یک سال مکلف شده، لایحه جامعی به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاه‌های دولتی و عمومی... تهیه کند و به دولت ارائه دهد که متأسفانه پس از ۶ سال هنوز اقدامی صورت نگرفته است.

نهایت اینکه در بحث مفاسد اقتصادی، مخبران در معرض خطر هستند، زیرا منافع مدیران را که در واقع به گونه‌ای حکومتگران هستند، هدف قرار می‌دهند. مفاسد اقتصادی کلان را حاکمان انجام می‌دهند و بقیه مرتکبان نیز به گونه‌ای از وابستگی‌شان هستند، اما مخبران در این میان به شدت در معرض خطر جانی و مالی و حیثیتی هستند. قانون‌گذار هم در ماده ۱۶ این قانون برای حل این مشکل، فکری کرده و پیش‌بینی کرده که مخبران باید از جمیع جهات در امنیت باشند و آیین‌نامه‌های مربوط به این زمینه باید از سوی دستگاه‌های مربوطه تهیه شود و به تصویب برسد که هنوز متأسفانه در این مورد هم اقدامی نشده است.

اما سؤال مهمی که در این زمینه مطرح می‌شود اینکه چگونه از لحاظ جرم‌شناختی و اجتماعی می‌توان به بحث پیشگیری از جرم و مبارزه با فساد دست زد؟

۲- جرم‌شناسی:

از دیدگاه جرم‌شناختی، فساد یکی از مهم‌ترین مصادیق نقض حق بر حکمرانی خوب برای مردم ایران است. در اسناد بین‌المللی، حکمرانی خوب دارای ۸ مؤلفه است که عبارت‌اند از: ایجاد زمینه مناسب برای مشارکت مردم در امور جامعه، حاکمیت قانون، شفافیت، جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان و مطمئن به اطلاعات، پاسخگویی صاحبان قدرت، شکل‌گیری وفاق عمومی، عدالت و برابری و منع تبعیض، اثربخشی و کارایی نهادهای حکومتی و در نهایت مسئولیت‌پذیری که مهم‌ترین مؤلفه است.

قانون مدیریت خدمات کشوری در فصل سوم خود از مواد ۲۵ تا ۲۸ به حقوق مردم اشاره دارد و می‌گوید: مدیران و کارمندان دستگاه‌های اجرایی، خدمتگزاران مردم هستند و باید وظایف خود را در راه خدمت به مردم انجام دهند و همچنین در سایر مواد تأکید شده مردم در استفاده از خدمات دستگاه‌های اجرایی از حقوق یکسان برخوردارند. در مجموع می‌توان گفت در این قانون تا حد زیادی، دستگاه‌های اجرایی را به رعایت حقوق شهروندی مکلف کرده است.

اگر ما فقط دو قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون ارتقای سلامت اداری را مد نظر قرار دهیم، می‌توان به این نتیجه رسید که استنباط حق بر حکمرانی خوب برای شهروندان ایرانی

امر سختی نیست. این امر در ماده ۱۹ و مواد بعد از آن در منشور حقوق شهروندی مورد اشاره قرار گرفته که حق اداره شایسته و تدبیر امور را مد نظر قرار داده است. از مجموع این قوانین می‌توانیم حقی مبنی بر حکمرانی خوب را برای شهروندان ایرانی به رسمیت بشناسیم. در ماده یک قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مبارزه با فساد، این گونه به تعریف فساد پرداخته است: هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هر گونه منفعت و امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد. با در نظر گرفتن این ماده و مواد دیگر با یک تبیین جرم‌شناختی می‌توانیم مرتکبین فساد را دو دسته بدانیم:

۱. مرتکبین عادی، اشخاص رسمی و غیر رسمی.
 ۲. مرتکبینی که از قدرت و مصادیق قدرت برخوردارند که از آن‌ها به جرم حکومتی یاد می‌کنیم. فساد یکی از مصادیق جرائم حکومتی است.
- سؤالی که در این زمینه مطرح می‌گردد، این است که چگونه می‌توان فساد را در ایران توضیح داد؟ فساد اداری در ایران قابل انکار نیست و بر اساس یک رتبه‌بندی ایران در میان ۱۶۸ کشور جهان در رتبه ۱۳۰ شاخص فساد قرار دارد. یک مطالعه نشان می‌دهد میزان رشوه در ایران گسترش یافته و قبیح آن نیز تا ۴۳ درصد کاهش یافته است. حداقل از چهار رویکرد می‌توانیم برای تبیین فساد استفاده کنیم: نخست، تأکید بر ساختارهای سیاسی. لذا مبارزه با فساد اداری نیازمند توجه به ساخت و پرداخت یک نظام سیاسی ضد فساد است. دیگری، ساختار اقتصادی است که مهم‌ترین جنبه بروز فساد اقتصادی در قالب ارتشا و... است. رویکرد دیگر، جامعه‌شناختی است و تبیین‌های جامعه‌شناختی.
- با توجه به این مسئله است که مبارزه با فساد را باید با دیدگاه کلی‌تر و با مطالعه بر ساختار و سازوکار حقوق اداری و اساسی ایران دید.

ب - حقوق اداری و اساسی

از لحاظ اداری منظور از فساد اداری، فساد در قدرت است. وفق حقوق اساسی و عمومی، از اختیارات سیاسی باید برای تأمین منافع ملی استفاده شود و هرگونه استفاده به غیر از این، یک نوع فساد تلقی می‌شود. بنابراین موضوع اصلی به مسائل سیاسی برمی‌گردد، نه خلأ قانونی.

در ایران، امروزه با جامعه‌ای رو به رو هستیم که انواع فساد اداری را در خود جا داده و به دنبال علل آن هستیم. این امر به نوع مواجهه ما با دولت مدرن برمی‌گردد. یک نوع تردید و ترس از پذیرش مبانی و اقتضائات دولت مدرن داریم که یکی از مزایای بسیار عمده‌اش، قانون اساسی است. اصل تفکیک قوا در قانون اساسی، به معنای واقعی پذیرفته نشده است. این تردید در تمام شئون حکمرانی منعکس شده و در طرز سازماندهی قدرت، خود را نشان داده و ما در سرگردانی مانده‌ایم که آیا می‌خواهیم ساختار دولت مدرن را بپذیریم یا خیر؟

در این سطح به نظر می‌رسد مانعی وجود دارد که اراده عمومی برای مقابله با فساد به اراده سیاسی تبدیل نشود. همه مردم از فساد ناراضی هستند، اما چرا این نارضایتی‌ها به یک اراده سیاسی تبدیل نمی‌شود که قالب اجرا و اعمال قوانین را به خود بگیرد؟

مسئله دیگر، تناسب تعداد نهادهای رسمی نظارتی و میزان فساد است. در یک تحقیق میدانی این نتیجه حاصل شده که ایران از نظر تعداد نهادهای نظارتی کلان در کنار انگلستان قرار دارد. اما ایران از نظر رتبه فساد در کنار کشورهای قرار می‌گیرد که از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. این نشان می‌دهد که تعدد وجود نهادهای نظارتی چاره‌ساز نیست؛ اما چرا قوای سه‌گانه نمی‌توانند در همان قالب خود با فساد مبارزه نمایند؟ پاسخ این است که شفافیت و رقابت وجود ندارد و نوع توزیع و ساماندهی قدرت سیاسی در این جامعه بنا به دلایلی نه روی کاغذ، یعنی در قانون اساسی و نه در عمل، به درستی شکل نگرفته است.

لذا اگر تفکیک قوا به یک تقسیم کار تبدیل شود، نمی‌توان انتظار داشت که مانع فساد شود. تفکیک قوا اگر به درستی انجام شود ابزاری خواهد شد برای مبارزه با فساد.

دوم- اجرایی قضایی

در حوزه اجرایی قضایی، سئوالی که مطرح می‌شود، این است که اراده سیاسی و قضایی در نظام حقوقی ایران و در بعد اداری و جامعه‌شناختی چگونه می‌تواند با فساد برخورد کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که فساد اداری، معلول پاره‌ای از عوامل دور و نزدیک است. در کشور ما بیشتر به عوامل نزدیک اشاره می‌شود. برای نمونه گفته می‌شود حقوق کارکنان دولت کم است، پس ناگزیر می‌شوند به حقوق مردم تعدی کنند، یا می‌گویند نظارت‌های درون‌سازمانی ضعیف و قدیمی است. اما مسئله اساسی، این است که تا وقتی عوامل دور و ریشه‌ای وجود داشته باشد، فساد هم وجود دارد، چرا که آب از سرچشمه آلوده است.

منشأ اصلی فساد در ایران چیست؟ بزرگ‌ترین فساد که منشأ همه فسادهاست، فساد سیاسی است که همانا وجود قدرت‌های نامحدود و غیر پاسخگو و نظارت ناپذیر است که به دنبال آن، در بیشتر زمینه‌ها، انحصار به وجود می‌آید؛ شفافیت از بین می‌رود و رسانه‌های آزاد مجال فعالیت پیدا نمی‌کنند و در نتیجه، بخشی از اقتصاد کشور به گوشه‌های دنج و حیات خلوت‌هایی منتقل می‌شود و رانت‌های مختلفی شکل می‌گیرد و شرکت‌های دولتی با عنوان خصوصی‌سازی به نهادهای عمومی یا وابسته به دولت واگذار می‌شوند.

کارآمدی یک نظام حکومتی، در گرو چند عامل است که از این بین می‌توان به فعالیت احزاب شناسنامه‌دار و قدرتمند، آزادی فعالیت رسانه‌های مستقل، آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن برای عموم مردم و اعتراض و انتقاد با کمترین محدودیت اشاره نمود. در یک کلام، قدرت عمومی به گونه‌ای متوازن و نظارت‌پذیر توزیع شود و نیرویی که از این قدرت عمومی به دست می‌آید با اعمال نظارت‌های مؤثر مهار شود و در خدمت ارتقا و پیشرفت جامعه قرار بگیرد. در این حالت، شهروندان می‌دانند که تنها ملاک امتیاز، برتری در استعدادها و توانمندی‌ها و تلاش سالم است، نه در دسترسی به منابع قدرت و این‌ها زمینه‌های مقابله با فساد است.

از مصادیق فساد اداری نظامند در نظام اداری که نیازمند مبارزه جدی در دستگاه قضایی است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مورد اول اینکه بخشی از دستگاه‌های عمومی از

پرداخت هزینه دادرسی معاف هستند و این معافیت عاملی برای برهم خوردن توازن در دادرسی عادلانه است. دستگاه‌های دولتی معاف که هر روز هم، تعدادشان بیشتر می‌شود، در دعوای حقوقی دغدغه‌ای ندارند و خواسته خودشان را در دعوای به هر قیمتی، تقویم و معمولاً با مبلغ بالایی هم مطرح می‌کنند تا خواننده دعوا نتواند درخواست تجدیدنظرخواهی کند، یعنی از پس هزینه آن بر نیاید. این موضوع، زمینه را برای فساد ایجاد می‌کند یعنی به کارمندان قدرتی می‌دهد که سایر مردم از آن بی‌بهره هستند.

مورد دوم، شرکت‌های وابسته به دولت هستند که قوانین کیفری زیادی وجود دارد که ناظر به این شرکت‌هاست. اما در هیچ یک از متون قانونی، شرکت‌های وابسته به دولت تعریف نشده است. این باعث شده که دولت، این شرکت‌ها را به گونه‌ای اداره کند که مشمول تعریف شرکت دولتی نباشند، اما در عمل وابستگی به دولت را داشته باشند.

بنگاه‌های اقتصادی دولتی یا همان بانک‌های دولتی که در سال‌های اخیر تبدیل به بانک‌های خصوصی شدند، از دیگر موارد است. با وجود اینکه دولت ایران در ماده ۲۱ کنوانسیون «مریدا» متعهد شده جرایمی نظیر ارتشا و اختلاس را در بخش دولتی جرم‌انگاری کند، اما با گذشت ۱۰ سال از پیوستن ایران به کنوانسیون مقابله با فساد، هنوز این اتفاق نیفتاده است، یعنی اگر کارمند این بانک از ارباب رجوع وجهی دریافت نماید و وام بدهد، قابل تطبیق بر عنوان جزایی ارتشا نیست. در واقع، این بانک‌ها از لحاظ تئوریک خصوصی هستند، اما در عمل، تحت سیطره دولت هستند.

مورد سوم اینکه یکی از بسترهای مهم فساد در کشور، نبود حمایت تمام و کمال قانون‌گذار و مرجع قضایی از ثبت رسمی املاک و معاملات است. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تأسیس شده تا معاملات و املاک نظارت‌پذیر شوند و امنیت و اعتماد بر روابط معاملاتی مردم حاکم شود. اما در سال‌های اخیر، مقرراتی تصویب و نظرات تفسیری از جانب شورای نگهبان ابراز و آرای قضایی متعددی صادر شده که به راحتی، اسناد عادی و شهادت گواهان بر اسناد رسمی ترجیح داده می‌شود. این بدین معناست که امروزه افرادی که سند رسمی دارند همیشه نگرانند که مالکیتشان به هر دلیلی مورد تزلزل قرار گیرد. متأسفانه رویکرد حاکم در نظام

حقوقی ما در سال‌های اخیر به این سمت رفته و بدین صورت، امنیت سرمایه‌گذاری به شدت پایین آمده و باعث آلودگی برخی از کارکنان قضایی شده است. مورد آخر اینکه تحریم‌های اقتصادی دولت، عرصه را برای گریز از مقررات و قوانین بسیاری از مدیرانی که عهده‌دار انجام معاملات برون‌مرزی هستند و حجم بسیار بالایی را هم به خود اختصاص داده‌اند، باز گذاشته است. این افراد به بهانه دور زدن تحریم‌ها، مقررات را کنار گذاشته و بر دولت و ملت منت می‌گذارند که تحریم را دور زده‌ایم. پس این مسائل می‌طلبد که به‌طور جدی از لحاظ قضایی، با مواردی که به چشم افراد عادی نمی‌آید و مشکلاتی را برای شهروندان فراهم می‌کند، برخورد کنیم. رگه‌هایی از این دغدغه‌ها را می‌توان در منشور حقوق شهروندی مشاهده کرد:

فصل ث- حق اداره شایسته و حسن تدبیر

ماده ۱۹- شهروندان از حق اداره شایسته امور کشور بر پایه‌ی قانون‌مداری، کارآمدی، پاسخگویی، شفافیت، عدالت و انصاف برخوردارند. رعایت این حق توسط همه مسئولین و کارکنان الزامی است.

ماده ۲۰- حق شهروندان است که امور اداری آن‌ها با رعایت قانون، بی‌طرفانه و به دور از هرگونه منفعت‌جویی یا غرض‌ورزی شخصی، رابطه خویشاوندی، گرایش‌های سیاسی و پیش‌داوری، در زمان معین و متناسب رسیدگی و انجام شود.

ماده ۲۱- حق شهروندان است که چنانچه تصمیمات نهادهای اداری و یا کارکنان را خلاف قوانین و مقررات بدانند، از طریق مراجعه به مراجع اداری و قضایی صالح، تقاضای احقاق حق کنند.

فصل چ - حق دسترسی به اطلاعات

ماده ۳۰- حق شهروندان است که به اطلاعات عمومی موجود در مؤسسات عمومی و مؤسسات خصوصی ارائه‌دهنده خدمات عمومی دسترسی داشته باشند. همه دستگاه‌ها و نهادها موظف به انتشار مستمر اطلاعات غیر طبقه‌بندی‌شده و موردنیاز جامعه می‌باشند.

ماده ۳۱- حق شهروندان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به موجب قانون یا با رضایت خود افراد.

ماده ۳۲- کودکان حق دارند به اطلاعات مناسب با سن خود دسترسی داشته باشند و نباید در معرض محتوای غیر اخلاقی، خشونت‌آمیز یا هر نوع محتوایی قرار گیرند که موجب غلبه ترس یا بروز آسیب جسمی یا روانی شود.

توصیه‌های سیاستی:

در جهت ارتقای حقوق شهروندی و در راستای مبارزه با فساد اداری، توصیه‌های سیاستی زیر در نشست پیشنهاد گردید:

الف - محور پیشگیری

۱- بازتعریف فساد و تعیین مصادیق جرایم اداری: از مهم‌ترین مشکلات مبارزه با فساد، مسئله تعریف آن و تعیین مصادیق است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی در تبصره ماده ۳۶ و نیز ماده ۱۰۹ قانون مجازات به‌طور مبهمی به آن پرداخته است. همچنین در قوانین پراکنده قبل و بعد از انقلاب نیز این مسئله مورد توجه اجمالی قرار گرفته است.

بازتعریف کردن شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و مؤسساتی که ماهیت دولتی، اما چهره‌ای خصوصی دارند نیز، باعث می‌شود که هر شخص حقیقی یا حقوقی نتواند از معافیت‌ها و حمایت‌های دولتی در جهت گسترش فساد اداری بهره‌برد.

به عنوان یکی از خروجی‌های این نشست، دانشگاه علامه می‌تواند در چارچوب گزارش پژوهشی با تعامل با مرکز پژوهش‌های مجلس، به بازتعریف فساد از دیدگاهی کیفری، جرم‌شناختی و اداری پردازد تا در بازنگری قوانین از آن استفاده شود.

۲ - عملیاتی کردن شفافیت در نظام اداری: شفافیت در چارچوب حاکمیت خوب می‌تواند به تقویت پیشگیری از فساد اداری پردازد. شفافیت در جامعه به عنوان یکی از اصول و حقوق

شهروندی، تک تک شهروندان را به عنوان مسئول و پرسشگر در برابر کارمند قرار می‌دهد و باعث می‌شود، ارتکاب جرم برای کارمند هزینه‌بر باشد. این مسئله اخیراً در سطح شهرداری تهران عملیاتی شده است.

ب - محور مبارزه با فساد

۱. **برخورد قاطع و بدون تبعیض:** در بحث مبارزه با فساد، کارمندان دولت بدون تبعیض و فارغ از اینکه وابسته به چه نهادی هستند، باید در ذره‌بین ضمانت اجرای کیفری قرار گیرند. در این خصوص، لازم است که نهادهای قضایی مستقل در برخورد با بزه‌کاران تعیین گردد.

۲. **نظارت متمرکز و کارا:** تعدد نهادهای نظارتی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه ضروری است در ماهیت (بودجه‌ریزی، تأسیس و غیره) و کارکرد آن‌ها در ایران بازنگری جدی صورت گیرد و در صورت ضرورت، ادغام صورت گیرد. این امر به کارآمدی نهادهای نظارتی حاضر درخصوص مبارزه با فساد خواهد انجامید.

۳. **تشکیل یک نهاد ناظر شهروندی در نظام اداری:** نهاد ناظر شهروندی که در بطن کنگره حقوق شهروندی پیش‌بینی شده، می‌توان برای مسائل مبارزه با فساد در جهت حمایت از شهروندان تعمیم یابد. نهاد ناظر شهروندی می‌تواند در درون هر سازمان دولتی پیش‌بینی گردد و با توجه به قانون ارتقای سلامت اداری، نظام گزارش دهی مطلوبی با توجه به شفافیت صورت گیرد.

۴. **تأسیس کارشناسی ارشد بین‌رشته‌ای حقوق کیفری اقتصادی در دانشگاه علامه طباطبائی و اختصاص دادن دروس تخصصی به بحث فساد اداری:** با توجه به ظرفیت بالای دانشگاه علامه طباطبائی در رشته مدیریت، اقتصاد، علوم اداری و حقوق، کارشناسی ارشد حقوق کیفری اقتصادی می‌تواند با فارغ‌التحصیلان به روز خود، دغدغه‌های مطرح شده در نظام اداری و در سطح جامعه را به راهکارهای جدی عملی تبدیل کنند. تربیت قضات متخصص در این زمینه، با توجه به نیاز مبرم نظام قضایی ایران، در جهت مبارزه با فساد در نظام ایران، گام بسیار بزرگی خواهد بود.